

ثواب کسی که پیاده به زیارت سیدالشهدا برود



گردآورنده: تقی دزاکام

امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه‌السلام باشد، اگر پیاده رود، خداوند منان به هر قدمی که برمی‌دارد، یک حسنه برایش می‌نویسد و یک گناه از او محو می‌فرماید تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف، حق تبارک و تعالی او را از رستگاران قرار می‌دهد تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان برساند که در این هنگام، او را از فائزین محسوب می‌فرماید تا زمانی که تصمیم به برگشت بگیرد در این وقت فرشتای نزد او می‌آید و می‌گویند: رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: از ابتدا عمل را شروع کن که تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.

این قولوبه قمی/ کامل‌الزیارات

سیدمحمدجوادذهنی‌تهرانی

انتشارات پیام حق / صفحات ۴۳۰ و ۴۳۱

دسته گل آقای بنی‌صدر!

در موقع ورود بنی‌صدر به دانشگاه، اتفاق جالبی که متن و رنگ مراسم را به وضوح نشان می‌داد، حرکت یکی از خانم‌های بی‌حجاب بود که حلقه گلی که قبلاً تهیه کرده بود به گردن آقای بنی‌صدر افکند و با نیم‌خیز فرنگی‌مایانه دست رئیس جمهور حکومت اسلامی را در دست گرفت و همین حرکت مقدمانی کافی بود تا نشان دهد این مراسم فرسنگ‌ها از جمهوری اسلامی و اصول و آیین آن به دور است. سوت‌های ممتد حضار و کف زدن‌های طولانی که تا آخرین لحظات قطع نشد، جلای تشریفات آمریکایی را به صحنه داده بود و چنین بود که حزب‌اللهی‌ها با چهره برفروخته فریاد می‌زدند: «دست زنید سوسولا، شب هفت شهداس، التگوهاوتون می‌شکنه».

غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹

زیر نظر: سیدعبدالکریم موسوی‌اردبیلی

انتشارات نجات / صفحه ۴۹۸

وعده‌گاهی از مسعود کیمیایی

آیا طرد آدم‌های (فیلم سینمایی) «ضیافت»، اعترافی تلخ بر کردار خودمان نیست، که دیگر دلی و وعده‌گاهی برای دوست داشتن و دوست داشته شدن، برای دست به دست هم دادن، برای عشق ورزیدن و برای تداوم زندگی نداریم؟

پس چگونه است که هنگام تماشای فیلم و در لحظات خاص، چشم‌های تماشاگران، از خنسی مرموزی برق می‌زند، که بعد در بغضی ترکه‌وار، پشت پلک‌ها و عینک‌ها و تاریکی پنهانش می‌کنند؟!

هیوا مسیح / درباره فیلم ضیافت اثر مسعود کیمیایی
 روزنامه اخبار/ ۵ تیرماه ۱۳۷۵

خاطرهای شگفت از شیخ بهلول

معمولاً چنین داستانی را نباید روایت کرد اما این داستان برای همیشه به یادتان می‌ماند.

در آستانه صدسالگی بود، در منزل یکی از اعیان متدین شیراز که خانه‌اش همیشه محفل عالمان و در دوران انقلاب در خدمت انقلاب بود، اهل اصطلاح بود و با اهل علم نشست و برخاست و مؤانست داشت، محفلی به افتخار حضور شیخ بهلول آراسته بودند. شیخ بهلول پوستی و استخوانی بود، مردی که خلاصه خود بود! با چشمانی سرشار از زندگی و شور که بارقه تیزهوشی از آن می‌تابید، و طنین صدا و لهجای او گویی روستایی خراسانی در صحرایی دور دست اما آشنا با شما حرف می‌زد، وقتی با او دست می‌دادی، سرپنجه استخوانی‌اش محکم بود. مثل گیره‌ای قایم دست را نگاه می‌داشت، در چشمانت نگاه می‌کرد و مکث می‌کرد.

مر ا معرفی کردند: «پشان نماینده شیرازند!» گفت: «چه جانم! نماینده اخلاص باش! اخلاص فی الاخلاص!» این تعبیر مرا با خودش برده بود.

نخستین، جمعی حدود ۱۵ تا ۲۰ نفر. مرحوم آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی امام‌جمعه شیراز هم بود. گفت‌وگوهایی و از هر دری سخنی.

ناگاه صدای ناخوشایندی به گوش رسید! زود چند نفر که نزدیک‌تر به بهلول بودند، به نوجوان ۱۲-۱۰ ساله‌ای که در گوشه‌ای نشسته بود، نگاه تند ملامت‌آمیزی کردند، که یعنی ماجرا از ایشان است. بهلول برخاست. به طرف نوجوان که چهره‌اش قرمز شده بود رفت. ۲ زانو جلوی نوجوان نشست، خم شد صورت و دست نوجوان را بوسید، گفت: «عوذ بالله من الشیطان الرجیم. انّ النفس لامّاره بالسوء الا ما رحم ربی. آقایان عزیز! من نزدیک ۱۰۰ ساله، مریض هم هستم، این صدای ناخوشایند از من بود. از همه شما معذرت می‌خواهم. از این نوجوان ۱۰۰ بار معذرت می‌خواهم که نگاه شما او را شرمند کرد و چهره‌اش سرخ شد و سرش را پایین انداخت».

چه مجلسی شد! بغض‌هایی که ترکید و آیت‌الله حائری که سر بر زانو نهاده بود و با صدای بلند گریه می‌کرد.

در راه که برمی‌گشتم، آقای حائری سکوت کرده بود؛ سکوتی سنگین. من هم در بهت و سکوت بودم. ناگاه رو به من کرد و گفت: «شیخ بهلول در خاکسار کردن نفشتی بی‌رحم است. برای همین به او عنایت نشده است. چیزهایی به او داده‌اند که به هر کسی نمی‌دهند».

زرمزه کرد، نه در اختر حرکت بود و نه در قطب سکون / گر نبودی به زمین خاک‌نشینانی چند

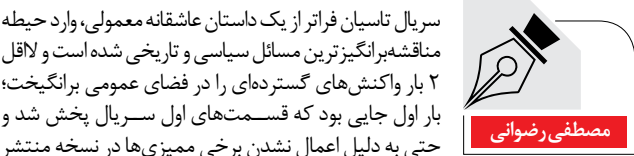
سیدعطاالله مهاجرانی / روزنامه اطلاعات
 یکشنبه ۲۸ آبان‌ماه ۱۴۰۲ / صفحه ۳

مقایسه میزان واقع‌گرایی تاریخی در ۲ سریال «سرزمین مادری» و «تاسیان»

واقعیت تا تخیل

از ندیدن مذهبی‌های تحصیلکرده و به‌عکس، دگم و عقب‌مانده و کریه دیدن مذهبیون که بگذریم، ده‌ها روشنفکر و هنرمند غیرمذهبی زندان رفته و شکنجه شده مخالف محمدرضا پهلوی چرا در این قصه جایی ندارند؟ چرا تنها استاد دانشگاه مخالف پهلوی هم اینجا ترسو و توزرد از آب درمی‌آید و ده‌ها سوال تاریخی دیگر که حتما در خوش‌بینانه‌ترین حالت ناشی از تاریخ ندانستن نویسنده و همچنین سفارش‌دهنده است. پس بهتر است ایشان را به خواندن کتاب‌هایی از تاریخ که مورخان غیرمسلمان و غیرایرانی و غیرمذهبی نوشته‌اند همچون کتاب «ایران - بین - دو انقلاب» نوشته پرواند ابراهامیان توصیه کنیم؛ اگر نه با این دست فرمان شخصا بعید نمی‌دانم سریال بعدی ایشان در نقد مصدق و توجیه کودتای ۲۸ مرداد باشد. شاید تنها نقطه مثبت این سریال به لحاظ محتوایی، یکدست ندیدن مخالفان انقلاب است. اینکه هر کسی انقلابی نبوده لزوما طاغوتی هم نبوده و ممکن است به نحوی دلش برای کشورش می‌تپیده است.

عکس‌نوشته‌های زیر مقایسه‌ای است بر سریال تاسیان و سرزمین مادری که تفاوت روایت این ۲ را مشخص می‌کند.



مصطفی رضوانی

سریال تاسیان فراتر از یک داستان عاشقانه معمولی، وارد حیطه مناقشه‌برانگیزترین مسائل سیاسی و تاریخی شده است و لاف‌ل ۲ بار واکنش‌های گسترده‌ای را در فضای عمومی برانگیخت؛ بار اول جایی بود که قسمت‌های اول سریال پخش شد و حتی به دلیل اعمال نشدن برخی میمیزها در نسخه منتشر شده، جنجالی به پا شد و بار دوم هنگام پخش قسمت آخر که واکنش‌هایی به موضع‌گیری سیاسی - تاریخی اثر ایجاد شد.

از رهگذر مقایسه تاسیان با سریال سرزمین مادری، می‌توان تفاوت این ۲ روایت را با چند تصویر مشخص کرد. البته نه اینکه روایت کمال تبریزی را بتوان بی‌نقص دانست اما حتما نگاه کاریکاتوری خانم پاکروان به انقلاب و تقلیل آن به چند کارگر ناراضی از حقوق، یا تعدادی دانشجوی تازه به دوران رسیده منفع‌طلب یا بازی‌خورده، ظلم به آن مردم است. روایت متفاوت از تاریخ و کلیشه‌زایی درست، حتما ایرادی ندارد ولی مشروط به آنکه مستند به تاریخ باشد. اینکه عقیه فکری و سیاسی ۱۵ ساله آن انقلاب را نبینیم و همه را در چند مورد شعار بر ضد تولیدکننده و کارخانه‌دار خلاصه کنیم، ظلم به انقلاب است.



نتانیا‌هو خبیث‌تر از بدمن‌های هالیوود

طی یک سال و ۱۰ ماه گذشته و به عبارتی پس از عملیات توفان الاقصی که جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه به راه افتاد، افکار عمومی جهان به‌شدت علیه رژیم صهیونیستی گردش کرد. این اتفاق به‌رغم تلاش‌های همه‌جانبه‌ای که رسانه‌های جریان اصلی غرب برای سفیدشویی جنایات اسرائیل انجام دادند، افکار عمومی مردم آن کشورها را هم نتوانست از این موج دور نگه دارد. امروز به طور مطلق در تمام کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی درصد کسانی که با اسرائیل متنفر هستند پیشتر از نیمی از جمعیت شده و حتی گاهی تا حدود ۸۰ درصد می‌رسد. این البته عموماً بین نسل جوان این کشورها اتفاق افتاده و نسل قدیم که تفکرشان دست‌نخورده در جنگ سرد به حساب می‌آید، درصد کمتری از همدلی با مردم فلسطین را نشان داده‌اند. نکته اینجاست که ستاره‌های هالیوود باید با نسل جوان که بیشتر با فلسطین همدلی می‌کنند همراه شوند و نظر آنها را بتوانند جلب کنند. این در حالی است که ساختارهای سیاسی ایالات متحده و نسل قدیم هالیوود، همچنان بر همان مواضع سابق خود که حمایت سرسختانه و بی‌قید و شرط از رژیم صهیونیستی است پافشاری می‌کنند. همین مسائل باعث ایجاد تنش‌هایی در بدنه هالیوود شده که نمودهایی از آن هر از چند گاهی بروز پیدا می‌کند. به عبارتی، به رغم اینکه ساختار حقوقی ایالات متحده و سیستم نامرتبی هالیوود اجازه اظهار نظر درباره غزه و محکوم کردن جنایات رژیم صهیونیستی را به چهره‌های مشهور نمی‌دهد، هر از چند گاهی یکی از این چهره‌ها از این چارچوب بیرون می‌زند و با پذیرفتن تمام هزینه‌های این نوع موضع‌گیری‌ها، حرکتی در این زمینه انجام می‌دهد یا موضعش را به طور شفاف بیان می‌کند. هنرمندانی از جمله مارک رافلو، سینیسیا نیکسون، گامی پیرس، سوزان ساراندون، جانان گلیرز، کیت ونسلست، خالد عبدالله، رض احمد، برایان کاکس، جرج کل ونی، رامی یوسف، می‌کلماوی، نیکولا کاگلان، جان کیوساک، ایندیا مور، ملیسا باررا، مارشیا کراس، کاریس فن هوتن، جسی ویلیامز، گوستاف اسکارسگارد، مایکل مالارکی،

لیام کانینگهام، آماندا سیلرز، دنیل دی - لوئیس، دایان گوتنر و پدرو پاسکال بخشی از کسانی بودند که تا پیش از این چنین ریسک‌هایی را پذیرفتند و حاضر شدند که صدای خاموش کودکان غزه باشند. دو آیین جانسون ملقب به راک و سوپراستار پیشین کشتی کج، جدیدترین چهره‌ای است که به این جریان پیوسته است. او هنرپیشه تعدادی از مهم‌ترین فیلم‌های اکشن جریان اصلی است که در آن سیاست‌های برون‌مرزی ایالات متحده تبلیغ می‌شوند اما اخیراً با انتشار پستی در فضای مجازی نوشت: «من شرارت‌های زیادی را در فیلمنامه‌های هالیوود دیده‌ام اما هیچ‌کدام با آنچه اسرائیل در غزه انجام می‌دهد قابل مقایسه نیست».

اشاره دو آیین جانسون به این باور عمومی است که معمولاً خبر و شر و تمام جزئیات دیگر در فیلم‌های سینمایی نسبت به چیزی که در واقعیت هستند غلو شده‌تر و پرتنگ‌تر است اما حالا در واقعیت چیزی از رژیم صهیونیستی می‌بینیم که حتی از نسخه غلو شده داخل فیلم‌های هالیوود هم شرورتر و خبیث‌تر است.